

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع:

خطوط باستانی ایران

نام نام خانوادگی: سید حامد خادمی

نام استاد: رضایی

خطوط باستانی ایران

اگر بخواهیم تاریخ ایران باستان را بررسی کنیم بایستی از مردمانی که در دوران نوسنگی در فلات ایران زندگی می‌کردند نام ببریم. پیش از مهاجرت آریوژن به فلات ایران، اقوامی با تمدن‌های متفاوت در ایران می‌زیستند که آثار زلّی از آنها در نقاط مختلف فلات ایران مانند تمدن جی‌فت (در کرمان کنونی) و شهر سوخته در سیستان، و تمدن ساکنان تمدن تپه سرطک (در کاشان)، تمدن اورارتو و ماننا (در آذربایجان)، تپه گطن نه‌اوند و تمدن کاسی‌ها (در لرستان امروز) بجای مانده است. اما تمدن این اقوام کم‌کم با ورود آریوژن، در فرهنگ و تمدن آنها حل شد.

برای بررسی تاریخ ایران پیش از اسلام بایستی از دیگر تمدن‌های باستانی آسیای غربی زنی نام ببریم. شناخت اوضاع و رابطه این مناطق ایران در رابطه با تمدن‌های دیگر نظیر سومر - اکد، کلد - بابل - آشور، و غی‌ه زنی مهم است.

ایلام گطن

ایلام گطن طی ایلامی‌ها اقوامی بودند که از هزاره سوم پ. م. تا هزاره نخست پ. م. ، بر بخش بزرگی از مناطق جنوب و غرب ایران فرمانروایی داشتند. بر حسب تقسیمات جغرافیایی سراسری امروز، ایلام

باستان سرزمین‌های خوزستان، فارس، ایلام و بخش‌هایی از استان‌های
بوشهر، کرمان، لرستان و کردستان را شامل می‌شد.

آثار کشف شده تمدن ایلام‌کن، در شوش نمایانگر تمدن شهری قابل
توجهی است. تمدن ایلام‌کن از راه شهر سوخته در سرستان، با تمدن
پیشامون رود سند هند و از راه شوش با تمدن سومر مربوط می‌شده است.
ایلام‌کن نخستین مخترعان خط در ایران هستند.

به قدرت رسیدن حکومت ایلام‌کن و قدرت یافتن سلسله عیلامی پادشاهی
آوان در شمال دشت خوزستان مهم‌ترین رویداد سرطوری ایران در هزاره
سوم پ. م. است. پادشاهی آوان یکی از دودمان‌های ایلامی باستان در
جنوب غربی ایران بود. پادشاهی آوان پس از شکوه و قدرت کوتیک -
این شوش‌نیک همچون امپراتوری اکد، ناگهان فرو پاشید؛ این فروپاشی و
هرج و مرج در منطقه در پی تاخت و تاز گوتیان زاگرس نشین رخ داد.
تا پیش از ورود مادها و پارسها حدود یک هزار سال تاریخ سرزمین
ایران منحصر به تاریخ عیلام است.

سرزمین اصلی عیلام در شمال دشت خوزستان بوده. فرهنگ و تمدن
عیلامی از شرق رودخانه دجله تا شهر سوخته زابل و از ارتفاعات
زاگرس مرکزی تا بوشهر اثر گذار بوده است. عیلام‌کن نه سامی نژادند
و نه آریایی آنان ساکنان اولیه دشت خوزستان هستند.

مهاجرت آریوژن به ایران

آریوژن، مردمانی از نژاد هند و اروپایی بودند که در شمال فلات ایران می‌زیستند. دلیلی اصلی مهاجرت آنها مشخص نیست اما به نظر می‌رسد دشوار شدن شرایط آب و هوایی و کمبود چراگاه‌ها، از دلایلی آن باشد. مهاجرت آریوژن به فلات ایران یک مهاجرت تدریجی بوده است که در پانزدهمین دوران نوسنگی (7000 سال پیش از میلاد) آغاز شد و تا 4000 پیش از میلاد ادامه داشته است.

نخستین آریوژنی‌هایی که به ایران آمدند شامل کاسی‌ها (کانتوها - کاشی‌ها)، لولوبیان و گوئین بودند. کاسی‌ها تمدنی را پایه‌گذاری کردند که امروزه ما آن را بنام تمدن تپه سرتک می‌شناسیم. لولوبیان و گوئین نیز در زاگرس مرکزی اقامت گزینند که بعدها با آمدن مادها بخشی از آنها شدند. در حدود 5000 سال پیش از میلاد، مهاجرت بزرگ آریوژن به ایران آغاز شد و سه گروه بزرگ آریوژنی به ایران آمدند و هر یک در قسمتی از ایران سکنی گزینند: مادها در شمال غربی ایران، پارس‌ها در قسمت جنوبی و پارت‌ها در حدود خراسان امروزی.

شاخه‌های قوم ایرانی در نیمه‌های هزاره‌ی اول قبل از مسیح عبارت بوده‌اند از: باخترین در باختری (تاجیکستان و شمالشرق افغانستان کنونی)، سکا‌های هومکار در سگائی (شرق ازبکستان کنونی)، سُغدین

در سغدی (جنوب ازبکستان کنونی)، خوارزم‌طن در خوارزمی (شمال ازبکستان و شمالشرق ترکمنستان کنونی)، مرغزن در مرغوه‌ی مرو (جنوبغرب ازبکستان و شرق ترکمنستان کنونی)، داهه در مرکز ترکمنستان کنونی، هری‌طن در هری‌ه‌ی هرات (غرب افغانستان کنونی)، دیرنگن در درنگانه‌ی سرهستان (غرب افغانستان کنونی و شرق ایران کنونی)، مکاظن در مکایی‌ی مکران (بلوچستان ایران و پاکستان کنونی)، هی‌کانن در هی‌کانی‌ی گرگان (جنوبغرب ترکمنستان کنونی و شمال ایران کنونی)، پرتوه‌طن در پارتی (شمالشرق ایران کنونی)، تیورطن در تیوری‌ی تیورستان (گیلان و مازندران کنونی)، آرطنتا در اسپدانه در مرکز ایران کنونی، سکا‌های ننی‌خود در الاری‌ی ایران (آذربایجان مستقل کنونی)، آتریپاتیگان در آذربایجان ایران کنونی، مادای در ماد (غرب ایران کنونی)، گردوخ در کردستان (چهارپاره‌شده‌ی کنونی، پارس‌ی در پارس و کرمان کنونی، انشان در لرستان و شمال خوزستان کنونی. قباطی که در تاریخ با نامهای مانناها، لولوبطن‌ها، گوینطن‌ها، و کاسری‌ها شناسانده شده‌اند و در مناطق غربی ایران ساکن بوده‌اند ننی‌هایی از شاخه‌های قوم ایرانی بوده‌اند که زمانی برای خودشان اتحادی‌های قباطی و ام‌ی‌نشرین داشته‌اند، و سپس در پادشاهی ماد ادغام شده‌اند.

مادها در ایران نزدیک 150 سال (708-550 ق.م) هخامنشی‌ها کمی بیش از دو‌سست سال (550-330 ق.م) اسکندر و سلوکی‌ها در حدود صد سال (330-250 ق.م) اشکاننن قریب پانصد سال (250 ق.م - 226 م)

و ساسان‌نظن قریب چهار صد و سری سال (651-226 م) فرمانروایی
داشتند.

مادها

ماد در 675 پیش از میلاد

ماد در 675 پیش از میلاد

ماد در 600 پیش از میلاد

ماد در 600 پیش از میلاد

مادها قومی ایرانی بودند از تبار آرطایی که در بخش غربی فلات ایران ساکن شدند. سرزمین مادها دربرگرفته بخش غربی فلات ایران بود. سرزمین آذربایجان در شمال غربی فلات ایران را با نام ماد کوچک و بقیه ناحیه زاگرس را با نام ماد بزرگ می‌شناختند. پایتخت ماد هگمتانه است آنها توانستند در اوایل قرن هفتم قبل از میلاد اولین دولت ایرانی را تأسیس کنند

پس از حملات شدیدی و خونین آشورطین به مناطق مادنشین، گروهی از بزرگان ماد گرد رهبری به نام دلوکو جمع شدند

از پادشاهان بزرگ این دودمان هووخشتره بود که با دولت بابل متحد شد و سرانجام امپراتوری آشور را منقرض کرد و پایهای نخستین شاهنشاهی آرطی‌تباران در اینان را بنهاد

دولت ماد در ۵۵۰ پیش از میلاد به دست کوروش منقرض شد و سلطنت اینان به پارسی‌ها منتقل گشت. در زمان داریوش بزرگ، امپراتوری هخامنشی به منتهای بزرگی خود رسید: از هند تا دریای آدریاتیک و از دریای عمان تا کوه‌های قفقاز

هخامنش‌طین

شاهنشاهی بزرگ هخامنشی در ۳۳۰ ق.م

شاهنشاهی بزرگ هخامنشی در ۳۳۰ ق.م

هخامنش‌طین نخست پادشاهان بومی پارس و سپس انشان بودند ولی با شکستی که کوروش بزرگ بر ایشتوویگو واپسین پادشاه ماد وارد

ساخت و سپس فتح لیبی و بابل پادشاهی هخامنشیان تبدیل به شاهنشاهی بزرگی شد. از این رو کوروش بزرگ را بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی می‌دانند.

در ۵۲۹ پ.م کوروش بزرگ پایگذار دولت هخامنشی در جنگ‌های شمال شرقی ایران با سکاها، کشته شد. لشکرکشی کمبوجی جانشین او به مصر آخرین رمق کشاورزان و مردم مغلوب را کشید و زمین‌ها را برای شورش همگانی فراهم کرد. داریوش بزرگ در کتیبه بیستون می‌گوید: " ...بعد از رفتن او (کمبوجی) به مصر مردم از او برگشتند

شورش‌ها بزرگ شد و حتی پارس زادگاه شاهان هخامنشی را نیز در بر گرفت. داریوش در کتیبه بیستون شمه‌ای از این وقایع را در بند دوم چنین نقل می‌کند: " زمانی که من در بابل بودم این اطلاعات از من برگشتند: پارس، خوزستان، ماد، آشور، مصر، پارت خراسان (مرو، گوش) افغانستان (مکائی). " داریوش از 9 مهر ماه 522 تا 19 اسفند 520 ق.م به سرکوبی این جنبش‌ها مشغول بود.

جنگ‌های ایران و یونان در زمان داریوش آغاز شد. دولت هخامنشی سرانجام در 330 ق. م به دست اسکندر مقدونی منقرض گشت و ایران به دست سپاه یونان افتاد.

اسکندر سلسله هخامنشیان را نابود کرد، دارا را کشت ولی در حرکت خود به شرق همه جا به مقاومت‌های سخت برخورد، از جمله سغد و باکتری یکی از سرداران جنگی او بنام سپتامان 327-329 ق. م در راس جنبش همگانی مردم بخش از دو سال علیه مهاجم خارجی مبارزه دلاورانه کرد. در این ناحیه مکرر مردم علیه ساتراپهای اسکندر قیام کردند. گرچه سرانجام نه‌و‌های مجهز و ورزیه اسکندر این جنبش‌ها را سرکوب کردند ولی از این تاریخ اسکندر ناچار روش خشونت آمیز خود را به نرمش و خوشخویی بدل کرد.

سلوکلن

(ایان در زمان سلوکلن (330 - 150 ق.م)

پس از مرگ اسکندر (323 ق. م) فتوحاتش بین سردارانش تقسیم شد و بیشتر متصرفات آسیای میانه او که ایان هسته آن بود به سلوکوس اول رسید. به این ترتیب ایان تحت حکومت سلوکلن (330 - 150 ق.م) درآمد. پس از مدتی پارت‌ها نفوذ خود را گسترش دادند و سرانجام توانستند سلوکلن را نابود و امپراتوری اشکانی را ایجاد کنند.

اشکانیان

امپراتوری اشکانی 250 ق.م. 224 م

امپراتوری اشکانی 250 ق.م. 224 م

اشکانیان (250 ق. م 224 م) که از نوه ایرانی پرنی و شاخه‌ای از طوایف وابسته به اتحادیه داهه از عشایر سکا‌های حدود باختر بودند، از ایلت پارت که مشتمل بر خراسان فعلی بود برخاستند. نام سرزمین پارت در کتیبه‌های داریوش پرثوه آمده است که به زبان پارسی پهلوه می‌شود. چون پارسیان از اهل ایلت پهلوه بودند، از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را پهلوی نیز می‌توان خواند. ایلت پارسیها از مغرب به دامغان و سواحل جنوب شرقی دریای خزر و از شمال به ترکستان و از مشرق به رود تجن و از جنوب به کوی نمک و سرستان محدود می‌شد. قبایلی پارسی در آغاز با قوم داهه که در مشرق دریای خزر می‌زیستند در یک جا سکونت داشتند و سپس از آنان جدا شده در ناحیه خراسان مسکن گزیدند.

این امپراتوری در دوره اقتدارش از رود فرات تا هندوکش و از کوه‌های قفقاز تا خلیج فارس توسعه یافت. در عهد اشکانی جنگ‌های ایران و روم آغاز شد. سلسله اشکانی در اثر اختلافات داخلی و جنگ‌های خارجی به تدریج ضعیف شد تا سر انجام به دست اردشیر اول ساسانی منقرض گردید.

ساسان‌نژاد

شاهنشاهی ساسانی در سالهای ۲۲۴ تا ۶۵۱ م

شاهنشاهی ساسانی در سالهای ۲۲۴ تا ۶۵۱ م

ساسان‌نژاد خاندان شاهنشاهی ایرانی در سالهای ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی بودند. شاهنشاهان ساسانی که اصلیتشان از استان پارس بود بر بخش بزرگی از غرب قاره آسیای شرقی حکومت کردند. پایتخت ساسان‌نژاد شهر تیسفون در نزدیکی بغداد در عراق امروزی بود.

سلسله اشکانی به دست اردشیر اول ساسانی منقرض گردید. وی سلسله ساسان‌نژاد را بنا نهاد که تا ۶۵۲ میلادی در ایران ادامه یافت. دولت ساسانی حکومتی ملی و متکی به دین و تمدن ایرانی بود و قدرت بسزای زیادی کسب کرد. در این دوره نژاد جنگ‌های ایران و روم ادامه یافت.

در همین دوران مانوی [1] (216 - 276 میلادی) به تبلیغ مذهب خود پرداخت. مانوی پس از مسافرت به هند و آشنایی با مذهب بودایی سرانجام جهان مذهبی مانوی خود را که التقاطی از مذهب زردشتی، بودایی و مسیحی و اسطوره بود با دقت تنظیم کرد و در کتاب "شاهپورگان" اصول

آن‌ها را بجان و هنگام تاجگذاری شاپور اول به شاه هدیه کرد. مانی اصول اخلاقی خود را بر پایه فلسفی مثنویت: روشنائی و تاریکی که ازلی و ابدی هستند استوار نمود. در واقع این اصول (خودداری از قتل نفس حتی در مورد حیوانات، نخوردن می، دوری از زن و جمع نکردن مال) واکنش در مقابل زندگی پر تجمل و پر از لذت طبقات حاکم و عکس العمل منفی در برابر بحران اجتماعی پاپن حکومت اشکانی و آغاز حکومت ساسانی است. شاپور و هرمزد، نشر چری مذهب را تجویز کردند، زیرا با وجود مخالفت آن با شهوت پرستی و غارتگری و سودجویی طبقات حاکم، از جانبی مردم را به راه "معنویت" و "آشتی‌خواهی" سوق می‌داد و از جانب دیگر از قدرت مذهب زردشت می‌کاست.

جنبش معنوی مانی به سرعت در جهان آن روز گسترش یافت و تبدلی به رهنوئی شد که با وجود جنبه منفی آن با هدف‌های شاهان و نجبا و پیشرفت جامعه آن روزی وفق نمی‌داد. پیشوایان زردشتی و عیسوی که با هم دائما در نبرد بودند، متحد شدند و در دوران شاه‌ی بهرام اول که شاه‌ی تن آسا و شهوت پرست بود در جرطن محاکمه او را محکوم و مقتول نمودند (276 م‌یلادی). از آن پس مانی کشری آغاز شد و مغان مردم بسطوری را به نام زندک (زندقی) کشتند. مانوطن درد و جانب شرق و غرب، در آسروی م‌لانه تا سرحد چین و در غرب تا روم پراکنده شدند.

امپراتوری پهناور ساسانی که از رود سند تا درطی سرخ وسعت داشت، در اثر مشکلات خارجی و داخلی ضعف شد. آخری پادشاه این سلسله

بن‌دگرد سوم بود. در دوره او مسلمانان عرب به ایران حمله کردند و
ایران را در جنگ‌های قادسیه، مدائن، جلولاء و نهاوند شکست دادند و
بدین ترتیب دولت ساسانی از مملکت رفت.

در پانزده سده پنجم و آغاز قرن ششم میلادی جنبش بزرگی جامعه ایران
را تکان داد که به صورت قلمی واقعی سری سال (24-494 م.) دوام
آورد و تأثیری شگرفی در تکامل جامعه آن روزهای آن بخشید.

در چنین اوضاعی مزدک [2] پسر بامدادان به تبلیغ مذهب خود که گویند
موسسش زردشت خورک بابوندس بوده، پرداخت. عقاب مزدک بر دو
گانگی مانوی استوار است

روشنایی دانا و تاریکی نادان، به عبارت دیگر نیکی با عقل و بدی
جاهل، این دو نیرو با هم در نبردند و چون روشنایی دانا است سرانجام
پیروز خواهد شد.

اساس تعلیمات اجتماعی مزدک دو چیز است: یکی برابری و دیگری
دادگری.

مردم بسطوری به سرعت پیرو مذهب مزدک شدند. جنبش مزدکی با قتل او و پیروانش به طرز وحشیانه‌ای سرکوب شد، اما افکار او اثر خود را حتی در قلم‌ها و جنبش‌های مردم ایران در دوران اسلام، باقی گذاشت.

: نتیجه گیری

دوران ایران باستان دوران تشکیلی دولت ماد تا پاپن حکومت ساسانی و حمله عرب به ایران است. (۶۰۰ ق.م. تا ۶۵۲ م). در این تحقیق به بیان این دوره تاریخی در ایران پرداختیم.